

ایران بزرگترین مدافع کشورهای نوحاسته خلیج فارس

تکمیل‌همایون: در کمترین نام‌کناریها، دریای جنوبی ایران را «نارموتو» به معنای «رود تلخ» نامیده‌اند. بسیاری از مورخان و جغرافیدانان از جمله هکاتابوس مقلی، هرودوت، اراتوس تنوس، استرابون و بعلمیوس به این امر اشاره کرده‌اند. جغرافیدانهای مسلمانان مانند «ابن‌قبه» در کتاب «البلدان»، «ابن‌رسته» در کتاب «الاعلاق النقبه»، «ابن‌خردادبه» در کتاب «المسالك الممالک بحر فارس»، «بزرگ‌بن‌شهریار» در کتاب «مروج الذهب» و بسیاری دیگر از تاریخ‌نویسان بر این امر استناد کرده‌اند.

○ در منطقه خلیج فارس همزیستی به چه شکلی صورت می‌گرفت و براساس چه پایه‌ای قرار داشت؟ تکمیل‌همایون: با ورود آریاییان به ایران‌زمین و سکونت در سراسر فلات بزرگی که بعدها نام «ایران» بر آن نهاده شد و نیز نام‌یابی خلیج در پیوند با یکی از نیرومندترین قومهای ایرانی پارس، اندک‌اندک با پدیدآمدن دولتهای ایرانی و از میان رفتن سلطه‌های اقوام بین‌النهرینی سراسر خلیج فارس در مجموعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران قرار گرفت و حکومتهای ایرانی بر این منطقه، یعنی بخش جنوبی

○ به عنوان اولین سوال و آغاز بحث، جایگاه و پیشینه جغرافیایی خلیج فارس را توضیح دهید؟ تکمیل‌همایون: خلیج فارس یکی از پرآوازه‌ترین دریاهای جهان است و در مشرق‌زمین، مرکزیت تبادل‌ات فرهنگی داشته و از تجلیگاههای تمدن ایران‌زمین به شمار رفته است. شناخت این خلیج و موقعیت و استراتژی جدیدی سیاسی و اقتصادی آن، خاصه به دلیل وجود منابع بیکران نفتی توجه بیشتر جهانیان را به خود جلب کرده است. ما قبل از اینکه بتوانیم بگوییم ایران، نام ایران را به خود گرفت، خلیج فارس وجود داشته است. استفاده‌هایی که در آن زمانها از خلیج فارس می‌شد، بیشتر به منظور تجارت و ماهیگیری بوده است تا اینکه ایرانیها وارد مرحله ایران‌زمین می‌شوند و هر کدام از اقوام در گوشه‌ای سکونت می‌کنند. قوم پارس که هخامنشیان از دل آن بیرون می‌آیند، اسم خودشان را به این خلیج می‌دهند و از آن زمان این منطقه نام خلیج فارس به خود گرفته است. در تمام زبانهای دنیا حتی در زبان یونانیه و رومیها و هندیها و چینیه آن منطقه را فارس و یا پارس می‌نامیدند.

○ آیا می‌توان استادی را هم در این باره نام برد؟

کشور حاکمیت نام یافتند. حفاریهای باستان‌شناسان دانمارکی، انگلیسی و فرانسوی و به‌تازگی ایرانی در جزایر خلیج فارس، بحرین، خارک، نجد عربستان و سواحل شمالی، آثار ستغنی از این گستره فرهنگی و هماهنگیهای تاریخی را نشان می‌دهد. کشف و بررسی علمی معابد مهرپرستی در جزیره قشم، مشاهده سدها، آب‌انبارها، قناتها، قلعه‌های نظامی و شیوه بناها از دوره‌های کهن تا دوره‌های متأخر همه نشان‌دهنده نوعی همجواری فرهنگی ساکنان منطقه است که با در نظر گرفتن میراث اقلیتی در نواحی یگانگی نسبی با کلیت جغرافیایی آسانی و تاریخی ایران جای یافته است. این همزیستی به‌گونه‌ای نیست که هیچ‌گاه اغتشاش و ناآرامی و برخی برخوردهای سیاسی و نظامی به‌وجود نیامده باشد. یاغیگری، تجاوز و سرکوب و به اطاعت واداشتن که تاریخ مستمر ایران در همه مناطق و مرزها حتی در نواحی مرکزی کشور بوده، در خلیج فارس نیز بروز کرده است. تخالف کانونهای قدرت حکومتی دلیل بر خارج بودن از مجموعه فرهنگی نیست. چندی از

قبیله‌های سرکش عرب به سواحل خلیج فارس حمله کرده و دست به تاراج کشوده‌اند که به وسیله حکومت مرکزی سرکوب شدند. روی هم رفته، از عهد باستان ساکنان خلیج فارس و پاره‌ای از جزیره‌های آن در نظام ابتدایی، با فعالیت‌های دامداری و پرورش شتر و اسب و چارباغان دیگر و نیز صید مروارید و صدف و ماهیگیری و ساختن قایق‌های کوچک زندگی خود را آغاز کرده بودند. با زمامداری هخامنشیان این منطقه توسعه بیشتری یافت و در روزگار داریوش یکم سیاست دریایی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. شاید نخستین دگرگونی در این منطقه با ورود نیروهای نظامی یگانه صورت گرفته باشد. نفوذ جنگ سالاران یونانی و بعدها پرتغالی و انگلیسی منطقه خلیج فارس را با دگرگونی‌های اساسی روبه‌رو کرد. منطقه پیرامونی خلیج فارس در زمان طلوع اسلام، در چه وضعیتی قرار گرفتند و با این آیین جدید الهی چگونه برخورد کردند؟

تکمیل همایون: همزمان با طلوع اسلام مردم خلیج فارس مانند دیگر مناطق ایران‌زمین، در اختلاف و چندگانگی به سر می‌بردند با فروپاشی ساسانیان و پذیرش اسلام توسط ایرانیان در خلیج فارس نیز دیانت جدید پذیرفته شد. مرزبانان ایرانی در منطقه اعم از ایرانی و عرب اندک‌اندک به اسلام گرویدند.

اما رد و خوردهایی که صورت می‌گرفت، از جنبه عقیدتی نبود، بلکه قویترین انگیزه مخالفان بر سر مسائل اقتصادی مانند پرداخت مالیات، خراجهای سالانه بود. از آن زمان اعراب بیشتر با خلیج فارس آشنا شدند؛ اما مردم این منطقه به یکباره مسلمان نشدند، بلکه جنگ و گریزها حدود یک قرن ادامه داشت. نزدیک به هزار سال مسلمانان در منطقه خلیج فارس با برداشتهای گوناگون در دیانت جدید به زندگی تاریخی خود ادامه دادند. در تمام این مدت حکومت‌های متعدد ایرانی مستقر در برآلجم در سیاست عمومی خلیج فارس سیادت داشتند. ساکنان جنوبی خلیج فارس ایران را به گونه قدری سیاسی و پایگاه اقتصادی، مرکز فرهنگی پذیرفته بودند و در امنیت نسبی که در آن روزگاران بود، زندگی می‌کردند. سندی در باب سوم گلستان این ماجرا را به نحو شایسته‌ای وصف کرده است.

○ از چه زمانی یگانگان به شکل استعماری به این منطقه راه یافتند؟

تکمیل همایون: در سال ۱۵۱۵ میلادی یعنی زمانی که توجه کانونهای سیاسی ایران به بخشهای شمالی کشور معطوف بود، پرتغالیان جزیره هرمز را تصرف کردند. از آن پس رقابت‌های استعماری میان اسپانیاییها، انگلیسیها، هلندیها و فرانسویها و به مرور روسها و



آلمانیها و بلژیکیها منطقه خلیج فارس را جولانگاه تصمیم‌گیریهای قدرت سیاسی و نظامی استعماری خود قرار دادند. استعمارگران اروپایی به ظاهر برای تجارت و کسب منافع اقتصادی وارد خلیج فارس شدند اما از همان آغاز، با سود جستن از نیروهای نظامی پیشرفته، راه را برای برقراری سلطه سیاسی خود باز کردند. به‌ویژه که در درون متروپها تحولات اجتماعی و صنعتی رو به گسترش بود و قدرتهای فنی و اقتصادی به دست آمد، تسلط بر سرزمینهای دیگران را ضروری می‌ساخت. در سراسر منطقه اسلامی آسیای غربی، از حلب تا بصره و از بصره تا بندرعباس و هرمز از آنجا تا هند، همه جا رقابت وجود داشت اما تنها قدرت نامشروعی که از بطن بورژوازی مسلط اروپایی سر بر آورد، انگلستان بود که می‌توانست همه رقیبان را کنار زده، خود حاکم مطلق‌المنان خلیج فارس شود. حضور این دولت استعماری در همه جای جهان به‌ویژه در سرزمینهای مسلمان نشین فرجامی نامبارک داشت. متأسفانه در دوره صفویه سیاستگران این سیاست ایران به دستور

شاه عباس اول، بی آنکه به چگونگی و عواقب شوم همکاری با انگلستان چنان که باید آگاهی داشته باشند، مقدمات ورود انگلیسها را به پنهان سرکوبی و بیرون راندن پرتغالیها فراهم آوردند. اما چنان که تاریخ نشان می دهد این قدرت تازه نفس یعنی انگلیسها دیگر هیچ گاه از منطقه خارج نشدند. انگلستان مالک الرقاب شد و با تاسیس شرکت هند شرقی بر بریتانیا و گسترش فعالیتها ی آن توانست حل و فصل همه امور خلیج فارس را به پنهانهای گوناگون در دست گیرد و با ایجاد سلطه بر سراسر منطقه خاورمیانه عربی بدون گذر از دماغه امید نیک با اروپا ارتباط برقرار سازد. البته در همه فعل و انفعالات استعماری روند فرهنگی تاریخ ساخته خلیج فارس که در آغاز از آن سخن به میان آمد، در هم ریخت و بیشترین زیانها متوجه ساکنان شمالی منطقه یعنی ایرانیان شد.

○ آیا سیاستهای استعماری انگلستان و پرتغالیها بواسطه هویت فرهنگی مردم منطقه خلیج فارس را تحت تاثیر قرار دهد؟

تکمیل همایون: خیرا به هیچ عنوان، چرا که مردم منطقه به یک شکل فرهنگی زندگی می کردند. یعنی اعراب، با همان تفکرات باذیه ای خود زندگی می کردند. اما در این سو که ایرانیان می زیستند، تاثیرات فقط در حد اقتصادی بود. مگر در جاهایی که تماسها زیاد بود، اما در حد محدودی نه در حد گسترده. پرتغالیها و انگلیسها هیچ وقت به جنبه های فرهنگی توجه نکردند، بلکه چیزی که برای آنها مهم بود جنبه اقتصادی و تجارت نفت بود.

○ اولین باری که بحثهای کاذب تغییر نام خلیج فارس صورت گرفت، از چه زمانی و توسط چه کسانی بود؟

تکمیل همایون: چارلز بلکرو که یک کارگزار انگلیسی بود، پس از سی سال اقامت در منطقه خلیج فارس و داشتن مشاغل سیاسی و تحقیقات میدانی و تسلط بر متون و اسناد بر بسیاری از ماجراهای خلیج فارس آشنایی یافت. بلکرو در سال ۱۹۵۵ کتابی با عنوان «به بحرین خوش آمدید»، در لندن انتشار داد و در این کتاب از خلیج فارس با نام واقمیش یاد کرده است. اما در سالهایی که فرمانروایی او در خلیج فارس رو به اتمام بود، برای نخستین بار در مجله عربی زبان «صوت البحرین» طی مقاله ای عنوان «خلیج عربی» را به کار برد و این امر در زمان اوج

هیجانات العروبه کشورهای عرب بود و از این رو در پی کشمکشها و شکستهای جنگی از اشغالگران قدس و عقده گشاییهای روانی - اجتماعی دست اویزی گردید و روشنفکران و مبارزان عرب، حتی آنان که در سف نبرد با استعمار بودند، فریفته این توطئه استعماری شدند و ناگاهانه یا عرضانه اسیر جعلیاتی شدند که هیچ سود دراز مدت برای آنان نداشت، ندارد و نخواهد داشت. این فرد انگلیسی بار دیگر در سال ۱۹۶۶ کتاب «ساحل دزدان دریایی» را انتشار داد و در آن کتاب بی آنکه سند و مدرکی ارائه دهد، نوشت: خلیج فارس که اعراب آن را «خلیج عربی» می نامند این جمل مزورانه که مقدمات آن از پیش پدید آمده بود، نه تنها اعراب متعصب را خوش آمد، بلکه شرایطی را ایجاد کرد که در پی خروج انگلیسها، تحولاتی در خلیج فارس پدید آید، در سال ۱۹۷۱ میلادی شرایطی جدیدی بحرن از ایران فراهم گردید و مالکیت سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک مورد ادعای جدید و نابه جای شیخ نشینهای برالعرب قرار گرفت. ناکفته

نماند که دایرة المعارف کمبریج انگلستان نیز در سال ۱۹۹۶ میلادی نام مجتول خلیج عربی را به جای نام اصلی و تاریخی خلیج فارس به کار برد که بعدها نیز اعلام کرد بر پایه دستورالعمل سازمان ملل متحد نام خلیج فارس را به کار خواهد برد. آخرین مناقشه را می توان به حرکت غیرمعتادانه اطلس «نشنال جئوگرافیک» اشاره کرد که با دریافت پول از قطرهای بار دیگر این ماجرای کهنه و مندرس را زنده کردند و خوشبختانه با پاسخ قاطع دانشمندان ایرانی روبه رو شدند. همسایگان عرب زبان ما باید به آن توجه کنند و خود را از مملکت عناد رها سازند و به قرنهای همسنگهای تاریخی و دینی ساکنان منطقه آسیب نرسانند، این است که تلاش در ذکرکون کردن نام خلیج فارس بر پایه دسیسه های استعمارگران قدیم و جدید نه تنها به لحاظ علمی و تاریخی امکان ندارد، بلکه هیچ سودی نیز برای آنان ایجاد نخواهد کرد، رنج بیهوده است و پدید آوردن موقعیتی است که امپریالیسم بهتر و اسانتتر بر سرزمینهای ما سلطه ایجاد کنند و نفت و گاز و دیگر نعمتهای خدادادی ما را غارت کنند. همسایگان ما می دانند که اگر روزی چرخ برگردد و کشورهای نوساخته خلیج فارس در معرض نابودی قرار گیرند، با اطمینان هر چه تماعتر فقط ایران بزرگترین نیروی مدافع آنها خواهد بود.

